



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

ارزیابی دیدگاه های گوناگون به برنامه درسی در فراگیران دوره ابتدایی

سهیلا عباسی^۱، مریم عباسی^۲، علی حسنی^۳، لیلا عباسی^۴، زهره قاسمی^۵

۱- کارشناسی دبیری علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

۲- کارشناسی مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان اهواز

۳- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان اهواز

۴- کارشناسی شیمی محض دانشگاه شهید بهشتی لرستان

۵- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا ساری

s.abasi20@gmail.com

چکیده

روش های تدریس سنتی امروزه دچار چالش های گسترده تری شده است. از رویکرد سنتی به عنوان رویکرد معلم محور یاد می شود. در این رویکرد معلم در مرکز توجه قرار دارد. معلمان برای اینکه بتوانند به اهداف آموزشی یعنی امر یادگیری در دانش آموزان دست یابند، به روش های آموزشی دست می زنند که در آن دانش آموزان نقشی جز شنونده بودن و یاد سپاری مطالب در حافظه خود ندارد. این رویکرد در مقابل رویکرد دانش آموز محور قرار دارد. همانطور که اط نام رویکرد دانش آموز محور بر می آید، در این رویکرد دانش آموز در راس توجه است. دانش آموز خود نیز در ساختن دانش نقش فعالی دارند و معلم دیگر به صورت متکلم وحده به ارائه مطالب و محتوای آموزشی نمی پردازد. معلم از شیوه های تدریس نوین استفاده می کند تا دانش آموز درگیر امر یادگیری شود تا کلاس درس برای او به عنوان جوی خسته کننده نباشد. در رویکرد معلم محور با اینکه معایب بسیاری ملاحظه می شود، ولی با این حال، این رویکرد، به عنوان رویکرد غالب در اکثر نظام های آموزشی است. هدف از این مقاله بررسی و واکاوی برنامه درسی و رویکردهای مختلف به یادگیری در دانش آموزان ابتدایی بوده که در پژوهش حاضر به صورت کتابخانه ای (مروری) و با استفاده از مطالب تحقیقات و کتاب های چاپ شده در این زمینه استفاده شده است.

کلمات کلیدی: برنامه درسی، برنامه درسی معلم محور، برنامه درسی دانش آموز محور،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

از بدو پیدایش، کلاس‌های محیط یادگیری جایگزین در مدارس ابتدایی بر آماده‌سازی دانش‌آموزان برای نتایج آموزشی غیر سنتی تأکید داشتند. این سنت از طریق انتظارات حرفه‌ای، اداری، جامعه و والدین توسعه یافت. با این حال، معلمان محیط یادگیری جایگزین تمایل به تقلید از مثال انتقالی دارند که توسط آن آموزش داده شده است، که مبتنی بر مدل یادگیری معلم محور است. در الگوی یادگیری معلم محور، معلم متخصصی است که وظیفه تشخیص نیازها و توانایی‌های دانش‌آموز، تعیین محتوای مورد تدریس، تجویز فعالیت یادگیری دانش‌آموز و ارزیابی پیشرفت دانش‌آموز را بر عهده دارد. تداوم این رویکرد، هدایت کلاس‌های محیط یادگیری جایگزین به سمت آموزش دانش‌آموز محور را چالش‌برانگیز می‌سازد. منظور از رویکرد دانش‌آموز محور، رویکردی است که در آن دانش‌آموزان در ساختن یادگیری خود دخیل هستند. نقش اصلی در جریان آموزش بر عهده دانش‌آموزان است، آنان روش یادگیری را خودشان انتخاب می‌کنند. از این روش تحت عنوان سازنده‌گرایی یاد می‌شود، یعنی دانش‌آموزان دارای نقش پویا هستند.

از زمان پدید آمدن کلاس‌های محیط یادگیری جایگزین در مدارس آمریکا بر آماده‌سازی دانش‌آموزان برای نتایج آموزشی غیر سنتی تأکید داشتند. این سنت از طریق انتظارات حرفه‌ای، اداری، جامعه و والدین توسعه یافت (Russell, 2006). با این حال، معلمان محیط یادگیری جایگزین تمایل به تقلید از مثال انتقالی دارند که توسط آن آموزش داده شده است، که مبتنی بر مدل یادگیری معلم محور است (Jones, 1987). در الگوی یادگیری معلم محور، معلم متخصصی است که وظیفه تشخیص نیازها و توانایی‌های دانش‌آموز، تعیین محتوای مورد تدریس، تجویز فعالیت یادگیری دانش‌آموز و ارزیابی پیشرفت دانش‌آموز را بر عهده دارد. تداوم این رویکرد، هدایت کلاس‌های محیط یادگیری جایگزین به سمت آموزش دانش‌آموز محور را چالش‌برانگیز می‌سازد (Shively, 2004). تئوری‌های یادگیری دموکراتیک و سازنده‌گرا برای دهه‌ها بر محیط‌های یادگیری تأثیر گذاشته‌اند. با این وجود، کلاس‌های درس جایگزین و همچنین کلاس‌های درس سنتی تا حد زیادی در جهت‌گیری آموزشی معلم محور خود ثابت مانده‌اند. ساخت‌گرایی به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا با چارچوب‌بندی پرسش‌های خود، تجزیه و تحلیل آن‌ها، و سپس تلاش برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، مسئولیت بیشتری برای یادگیری خود بر عهده بگیرند. به دلیل سوابق تدریس سنتی که ریشه در پارادایم معلم محور دارد، برخی از معلمان احساس می‌کنند دانش‌آموزان بلوغ و توانایی لازم برای مشارکت در تصمیم‌گیری را ندارند. آنها به شدت بر سبک رهبری استبدادی تکیه می‌کنند. سبک اقتدارگرا با قدرت، سلطه، فشار و انتقاد مشخص می‌شود. برخی از نظریه‌پردازان بر رویکردهای معاصر تأکید می‌کنند که از محیط‌های طراحی شده برای توانمندسازی دانش‌آموزان برای خودراهبری و یادگیری مستقل حمایت می‌کنند.

به ایده‌آل‌های استراتژی‌های مبتنی بر عمل می‌پردازد که شامل کلاس‌های درس دموکراتیک و سازنده‌گرایی در زمینه‌هایی مانند علوم، ریاضی، هنر و مطالعات اجتماعی است. با این حال، فقط مطالب محدودی در مورد ایده‌آل‌های دانش‌آموز محور برای محیط‌های کلاس درس جایگزین وجود دارد (Kouzes and Posner, 2014). متخصصان معتقدند که کلاس درس دموکراتیک شامل خویی طبیعی، استقلال، عشق به خود و شفقت است. علاوه بر این، روسو هدف اصلی آموزش را شناسایی و ترسیم ماهیت خاص کودک می‌دانست. او تشخیص داد که کودکان از نظر یادگیری و تفکر با بزرگسالان متفاوت هستند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دوران کودکی مرحله ای از رشد است که در آن کودک با محیط ارتباط برقرار می کند و از آن برای مطابقت با علایق شخصی خود استفاده می کند (Newman and Newman, 1997). کودکان باید تجربیات یادگیری خود را انتخاب کنند. کودکان زمانی که بازی می کنند یا در فعالیت های مختلف شرکت می کنند، تجربیاتی کسب می کنند. وقتی بازی می کنند، با آزمایش و بررسی ایده ها با هدف ساختن دانش خود، مسائل را حل می کنند. ایده های روسو در مورد آموزش طبیعی، کیفیت ها را ارتقا و حمایت می کند مانند شادی، خودانگیختگی و کنجکاوای مرتبط با دوران کودکی و پایه و اساس جنبش سازندگی را تشکیل داده اند. تحقیقات گسترده به کلاس های درس دموکراتیک و سازندگی در آموزش متوسطه می پردازد. با این حال، فقط مطالب محدودی در مورد ساخت گرای و ایده آل های دانش آموز محور برای محیط های یادگیری جایگزین وجود دارد. معلمان ممکن است از این بیم داشته باشند که ترکیب رویکردهای دموکراتیک و سازنده گرایانه فرهنگ های قدیمی را که از قدرت مستمر آنها در کلاس حمایت می کنند به خطر می اندازد. (Shively, 2004) استدلال کرد که کلاس های معلم محور باید دوباره برای تئوری های یادگیری فعلی طراحی شوند، در حالی که بسیاری از اندیشمندان بر نیاز به یک محیط یادگیری تأکید کردند که در آن دانش آموزان خود را معلم بدانند و مربیان به عنوان معلم باقی بمانند. زبان آموزان این جو دانش آموزان را پرورش می دهد تا برای آموزش خود مبتکر، متفکر انتقادی و معمار شوند. این محیط کلاس را به عنوان یک آزمایشگاه توصیف می کند که در آن معلمان باید نقش مسلط را کنار بگذارند منظور از آموزش های سنتی در واقع همان رویکرد معلم محور است، و رویکرد جایگزین محور در مقابل رویکرد سنتی و معلم محور قرار دارد که از آن به عنوان رویکرد دانش آموز محور یاد می شود. رویکرد جایگزین محیطی است که که خلاقیت فردی و رشد مستقل را فراتر از کلاس درس ترویج میدهد و به رشد و خودشکوفایی دانش آموزان منجر خواهد شد. واضح است که فلسفه های اساسی آموزش معلم محور و دانش آموز متفاوت است.

برنامه درسی

برنامه درسی دارای ریشه لاتین است و در معنی به عنوان میدان مسابقه و نقشه مفهومی و یا فاصله میان هدف مورد نظر و آنچه که دانش آموز در آن سطح قرار دارد. برنامه درسی از آن جهت به میدان مسابقه معنی شده است که شرایط در مدارس برای همه دانش آموزان به طور یکسان تدارک دیده شده است یعنی مجموعه محتوای آموزشی مواد و موضوعات آموزشی همگی برای دانش آموزان از یک استاندارد یکسان برخوردار هستند و دانش آموزان برای رسیدن به هدف آموزشی برنامه درسی باید با یکدیگر رقابت بکنند تا به عنوان دانش آموزان برتر در این سطح باشند.

رویکرد دانش آموز محور

برای سبک تدریس یادگیری دانش آموز محور، معروف ترین سبک یادگیری، سبک ساخت گرای است. نظریه سازه انگاری چارچوبی الهام بخش برای مطالعه تأثیر آموزش دانش آموز محور بر پیشرفت دانش آموزان است. در حالی که نظریه رفتارگرایی که توسط اسکینر رایج شد، پشتیبانی از آموزش معلم محور در کلاس درس است. همانطور که (Shively, 2004) توضیح می دهد، کلاس های دانش آموز محور باید با کلاس های دارای فرهنگ مدرسه معلم محور مقایسه شود تا مشخص شود که آیا



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تفاوت قابل توجهی در نتایج یادگیری و باورهای دانش آموزان وجود دارد یا خیر. مقایسه این دو کلاس درس متفاوت ممکن است نتایج متفاوتی ارائه دهد.

رویکرد دانش آموز محور از چهار فعالیت تشکیل شده است: مشاهده، جهت یابی، تصمیم گیری و عمل.

الف) طی جریان مشاهده، ورودی های حسی را از محیط ناظر جمع آوری می کند. داده های مشاهده ای در فرایند تعاملی ذهنی "تخریب و ایجاد" که تصویری ذهنی از واقعیت موقعیتی ایجاد می کند.

ب) و در طی جریان جهت گیری معنا پیدا می کند. جهت گیری ها برای معنا بخشیدن به داده های ورودی در پرتو آنچه که «معلوم است» استفاده می شوند. این دانش جدید مبنای تصمیم گیری را فراهم می کند و تصمیمات سپس به اقدامات منجر می شود

پ) تئوری تصمیم گیری را به یک رویکرد ساده و مفید برای آموزش و بهبود تصمیم گیری تبدیل می کند، فرآیند تصمیم گیری موقعیتی را با عبارات ملموس کمیت می کند.

ت) در نتیجه یادگیری و رفتار دانش آموزان را بهبود می بخشد.

معلم محوری

آموزش سنتی معلم محور به طور کلی به عنوان سبکی شناخته می شود که در آن معلم مسئولیت اصلی انتقال دانش به دانش آموزان را بر عهده می گیرد. از این منظر، از آنجا که معلمان از طریق تخصص بیشتر خود در مورد موضوع، در بهترین موقعیت برای تصمیم گیری در مورد ساختار و محتوای هر تجربه کلاسی هستند. تعلیم و تربیت معلم محور معمولاً به این معناست که استفاده از سخنرانی را به عنوان ابزار اصلی ارتباط در کلاس درس ضروری می کند. هدف این کلاس درس مستلزم انتشار مجموعه نسبتاً ثابتی از دانش است که توسط معلم تعیین می شود. فرمت سخنرانی معمولاً به صورت یک جانبه پیش می رود. معلم به جای ساختار بندی محتوای کلاس حول سوالاتی که ممکن است این دانش آموزان داشته باشند، بر روی مجموعه ای از دانش از حوزه تخصص خود سخنرانی می کند.

(Hancock et al, 2002) آموزش معلم محور را به شرح زیر تعریف می کنند:

الف) معلم رهبر مسلط است که قوانین را در کلاس ایجاد و اجرا می کند.

ب) معلم وظایف یادگیری را ساختار می دهد و زمان و روش تکمیل کار را تعیین می کند.

ج) معلم اهداف درس را بیان می کند، توضیح می دهد و مدل سازی می کند و مشارکت دانش آموز را فعالانه حفظ می کند.

د) معلم از طریق بازخورد مستقیم، درست/ غلط به دانش آموزان پاسخ می دهد، از اعلان ها و نشانه ها استفاده می کند، و در صورت لزوم، پاسخ های صحیح ارائه می کند.

ه) معلم در درجه اول سوالات مستقیم، تشخیص یادآوری و چند سوال استنباطی می پرسد.

و) معلم مکرراً در حین و در پایان درس خلاصه می کند.

ز) معلم انتقال بین نکات درسی و حوزه های موضوعی را نشان می دهد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رویکرد معلم محور

در الگوی یادگیری معلم محور، معلم متخصصی است که وظیفه تشخیص نیازها و توانایی های دانش آموز، تعیین محتوای مورد تدریس، تجویز فعالیت یادگیری دانش آموز و ارزیابی پیشرفت دانش آموز را بر عهده دارد. تداوم این رویکرد، هدایت کلاس های محیط یادگیری جایگزین به سمت آموزش دانش آموز محور را چالش برانگیز می سازد. در الگوی یادگیری معلم محور، معلم متخصصی است که وظیفه تشخیص نیازها و توانایی های دانش آموز، تعیین محتوای مورد تدریس، تجویز فعالیت یادگیری دانش آموز و ارزیابی پیشرفت دانش آموز را بر عهده دارد. تداوم این رویکرد، هدایت کلاس های محیط یادگیری جایگزین به سمت آموزش دانش آموز محور را چالش برانگیز می سازد. منظور از آموزش های سنتی در واقع همان رویکرد معلم محور است. در مطالعه کلاس های سنتی، تمایل به بازتولید یک رویکرد تاریخی بر اساس مدل طبقه بندی بلوم دارند. معلم سنتی درس ها را انتخاب می کند، اهداف را انتخاب می کند، تصحیح می کند، خطاها و روش های اصلاح را برای دانش آموزان توضیح می دهد. سپس معلم پیشرفت کلاس را ارزیابی می کند (Peyton et al, 2010). اگرچه این روش در طول زمان توسط معلمان که درک بیشتری نسبت به تنوع جمعیت دانش آموز و توانایی های دانش آموز نشان می دهند، تجدید نظر شده است، دیدگاه معلم محور غالباً غالب است.

یادگیری معلم محور

نظریه رفتارگرا که توسط بی اف اسکینر رایج شده است، از آموزش معلم محور پشتیبانی می کند. پیتون یادگیری را تغییر در رفتارهای صریح یک فرد تعریف می کند. او همچنین اظهار داشت که تغییرات رفتاری نتیجه پاسخ های دانش آموز به محرک هایی است که در محیط آنها رخ می دهد. اسکینر از اصطلاح "operan" استفاده کرد. نظریه «شرطی سازی» به تأثیر یک محرک خاص بر وقوع آتی رفتار اشاره دارد. یکی از اصول اسکینر این است که شرطی شدن عامل تقویت مثبت است. پاداش و ستایش نمونه هایی از تقویت مثبت هستند و از نظر آموزش معلم محور و مدیریت کلاس، چنین نظریه هایی جذابیت گسترده ای در محیط های آموزشی دارند. معلمان که رفتار نامناسب را نادیده می گیرند و برای رفتار مناسب (در ترکیب) تأیید می کنند، فکر می کنند این عمل در دستیابی به رفتارهای کلاسی بهتر بسیار مؤثر است. این اصول (تقویت شرطی سازی مثبت و تقویت منفی) برای تغییر رفتار انسان در محیط های کلاس درس به علم/رشته تحلیل رفتار کاربردی تبدیل شدند. هر تجربه خوشایندی که دانش آموزان را وادار به برقراری ارتباط مطلوب بین محرک ها و پاسخ ها کند، تقویت مثبت تلقی می شود (Peyton et al, 2010).

هنگامی که دانش آموزان در طول سبک های آموزشی معلم محور، مانند سخنرانی، بازخورد مثبتی از معلمان دریافت می کنند، دانش آموزان می توانند از نظر تحصیلی موفق باشند (Sharon, 2008). برخی از سبک های تدریس و یادگیری وجود دارد که منعکس کننده نظریه رفتارگرایی است. به عنوان مثال، حفظ کردن و تقویت مثبت معلمان زمانی که دانش آموزان تسلط نشان می دهند. شارون همچنین بیان می کند که «معلمینی که دانش آموزان به طور فعال در سخنرانی شرکت می کنند، از نظر تحصیلی دانش آموزان موفق تری دارند»



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کلاس های درس معلم محور

الگوی سنتی آموزش معلم محور، روش فراگیر آموزش در مدارس دولتی در ایالات متحده بوده است. معلمانی که از این رویکرد استفاده می کنند معمولاً یک درس را بر اساس هدف خاص برنامه ریزی می کنند و آموزش ارائه می دهند. از طریق قالب سخنرانی سپس، معلم معمولاً زمانی را برای تمرین و تمرین یا تکالیف روی صندلی اختصاص می دهد و احتمالاً تکالیفی را تعیین می کند که هدف خاص روز را تقویت می کند. کتاب درسی اغلب پایه و اساس درس است و معمولاً مرکز فعالیت است. مدل معلم محور به معلم اجازه می دهد تا کنترل کاملی بر آن داشته باشد. فرآیند یادگیری با قرار دادن معلم به عنوان منبع اصلی اطلاعات و دانش آموزان به عنوان دریافت کنندگان غیرفعال مطالب (Peyton et al, 2010).

طبق نظر جارویس آموزش در کلاس به طور کلی توسط معلم هدایت می شود و معلم رویه اهداف یادگیری را تعیین می کند. هنگامی که معلمان به سخنرانان مولد تبدیل می شوند، دانش آموزان تمایل دارند برای ویژگی های شخصی معلم ارزش قائل شوند و اطلاعات بیشتری را حفظ کنند. در یک کلاس درس معمولی معلم محور، معلم بیشتر وقت خود را صرف ارائه محتوای روز به کلاس از تخته سفید / تخته پرومته یا پروژکتور بالای سر می کند. دانش آموزان باید در طول سخنرانی یادداشت برداری کنند و سوال بپرسند. این فرآیند باید با سهولت انجام شود و برای دانش آموزان مشکل ساز نباشد (Peyton et al, 2010).

در یک کلاس درس معلم محور، دانش آموزان به طور مستقل کار می کنند، معمولاً در ردیف، گوش دادن و یادداشت برداری در حین سخنرانی معلم می پردازند (Woodford, 2005). متخصصان دریافت که مراحل سخنرانی ساده است. اگر معلمان این مراحل ساده را دنبال کنند، دانش آموزان آنها می توانند از نظر تحصیلی موفق باشند. او پیشنهاد می کند که معلمان باید قبل از ارائه آموزش بر محتوا تسلط داشته باشند، مطالب را در یک سخنرانی با قالبی دلپذیر ارائه کنند و به دانش آموزان اجازه دهند یادداشت برداری کنند و سوالاتی را مطرح کنند که معلم مطابق با آن پاسخ خواهد داد. در نهایت، معلم باید درک دانش آموز از مطالب را در قالب مداد کاغذی با بازخورد ارزیابی کند.

بسیاری از اندیشمندان دریافتند که معلمانی که آموزش معلم محور را ترجیح می دهند، معتقدند که مهم است که محتوایی که در کلاس ارائه می کنند، مرجع باشند. چنین معلمانی باید در مورد محتوایی که به دانش آموزان منتقل می کنند، تجربه و آگاهی داشته باشند. شهرت یک معلم به این بستگی دارد که او چقدر مطالب را می داند و چقدر خوب تدریس می شود. این رابطه شخصی که معلمان با محتوا دارند، آنها را قادر می سازد تا تجربه یادگیری معنی داری را برای دانش آموزان فراهم کنند. علاوه بر این، کجققان دریافتند که برای حفظ دامنه توجه دانش آموزان در طول یک درس معلم محور، بسیاری از معلمان از زمان سخنرانی به عنوان یک مرور سریع از محتوا برای تحریک بحث، فعال کردن دانش قبلی یا ایجاد انگیزه استفاده می کنند. دانش آموزان برای شروع یا ادامه خواندن و تحقیق بیشتر فعالیت کنند، این که دانش آموزان سوال بپرسند، نظر بدهند و در بحث شرکت کنند از اهداف سخنرانی موثر هستند. یک محیط راحت باید ایجاد شود تا دانش آموزان به طور فعال در سخنرانی شرکت کنند علاوه بر این معتقدند مزیت کلاس درس معلم محور این است که می توان مطالب را به گونه ای ارائه کرد که دانش آموزان بتوانند در مراحل کوتاه بیاموزند. همچنین، یک سخنرانی باید به گونه ای ارائه شود که به دانش آموزان مرتبط باشد (Khajavi and Abbasian, 2011).

تجربیات فردی دانش آموزان نشان دهنده این امر باید باشد که ، دانش آموز واقعاً از درس سود خواهد برد. آنها بر این باور بودند که اکثر معلمان از آموزش معلم محور استفاده می کنند زیرا این یک سبک تدریس موثر است. لینیچ تحقیقی را برای



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تعیین اینکه آیا آموزش معلم محور برای دانش آموزان در قالب سخنرانی جالب است؟ و آیا آنها از سبک تدریس درس می آموزند، انجام داد. او دریافت که دانش آموزان علاقه مند هستند و در واقع از سخنرانی ها یاد می گیرند، مشروط بر اینکه سخنرانی ها تحریک کننده باشند و ارائه دهنده در این زمینه آگاه باشد.

در زمینه محتوای آموزشی، محتوا که توانایی دانش آموزان برای یادگیری از سبک های تدریس، مانند سخنرانی، واقعاً مؤثر است. هر چه دانش آموزان به درس ها علاقه بیشتری داشته باشند و ارائه دهنده اطلاعات محتوایی بیشتری داشته باشد، احتمال موفقیت دانش آموزان از نظر تحصیلی بیشتر می شود (Lynch, 2010). مطالعه دیگری که توسط لینچ انجام شد، در مورد این بود که دانش آموزان چه احساسی نسبت به آموزش دانش آموز محور یا معلم محور داشتند. نتایج نشان داد که دانش آموزان آموزش معلم محور را ترجیح می دهند. بسیاری از دانش آموزان در این مطالعه پیشنهاد کردند که در محیط کلاسی که معلم محور است، راحت تر هستند، زیرا ساختار آن بیشتر است. او همچنین دریافت که دانش آموزان در مواقعی هنگام به اشتراک گذاشتن مسئولیت های یادگیری، از کار کردن در گروه احساس ناراحتی می کنند (Lynch, 2010). آموزش دانش آموز محور اقدامات دانش آموز محور مستلزم معلمانی است که آگاه باشند که دانش آموزان معنای خود را می سازند (Narum, 2004).

چگونه دانش آموزان در اینگونه از کلاس ها یاد می گیرند؟ یادگیری در این کلاس ها به عنوان ساختن پلی بین یادگیرنده در نظر گرفته می شود؛ و موضوع، و معلم در یک کلاس درس دانش آموز محور هر دو انتهای آن پل را تماشای می کند. ناروم اظهار داشت: "محیط یادگیری که از چنین بینش هایی ایجاد می شود، به طور مشخص با محیطی که دانش آموز را دریافت کننده منفعل می بیند متفاوت است. الگوهای آموزشی در رویکرد معلم محور باید انعطاف پذیر باشند. دانش آموزان در تجربه دانش آموز محور شریک هستند و به این ترتیب، اطلاعات ارزشمندی را ارائه می کنند سوالات معلم باید در مورد دانش پرس و جو کند، درک را بهبود بخشد و در مورد چگونگی یادگیری هر دانش آموز به تامل دعوت کند.

فلسفه مدرسه دانش آموز محور، همکاری یادگیری است که به موجب آن همه، از جمله معلمان، یک یادگیرنده عملی باقی می ماند. این فلسفه خواهد بود. معلمان و دانش آموزان توانایی های تدریس را گسترش دهند و از طریق تعامل با دانش آموزان خود به مربیان در یادگیری کمک کنند. این نوع محیط مدرسه به فرهنگ غالب تحقیق آلسوپ از این به عنوان «اقدام دموکراتیک» یاد کرد. این عمل اجازه می دهد که دانش آموزان، آزادی برای کاوش و کار دموکراتیک، به طوری که آنها می توانند چارچوب خود را از مناطقی که آنها را جذاب می کند ایجاد کنند. بنابراین، هدف این نوع آموزش، فراهم کردن محیطی است که در آن دانش آموزان بتوانند علایق خود را بدون موانع غیرضروری دنبال کنند و به موجب آن بتوانند به عنوان شهروندان توانمند در اداره آن محیط شرکت کنند این عمل باید به دانش آموزان در بازپس گیری «نویسندگی» خود از جهان کمک کند (Woodford, 2005).

شیوه های آموزشی این مربیان شامل ارزیابی همتایان، شیوه های گروهی مشارکتی و ایجاد یک جامعه تحقیق بود. ارزیابی همتایان شامل تکمیل یک تکلیف و پس از آن بحث با همتا در مورد تکلیف بود. این تکنیک بر ارتباط بین دانش آموزان و روابط کلاسی بیشتری را بین دانش آموزان ترویج کرد. شیوه های یادگیری گروهی شامل تکالیفی بود که توسط گروهی از دانش آموزان انجام می شد و هر دانش آموز نقش متمایز کننده ای را در گروه بر عهده می گرفت. مطالعه ای که توسط سونگر انجام شد، مشخص کرد که شیوه های یادگیری گروه های کوچک به دانش آموزان در تفکر انتقادی، خود انعکاس، تدریس خصوصی، کمک می کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مهارت های حل مسئله و فرایند گروهی برای اجرای یک فلسفه دانش آموز محور، مربیان باید درک روشنی از روش شناسی که این مفهوم را هدایت می کند داشته باشند. این انطباق مستلزم دیدگاهی متناوب و پذیرش مجموعه ای جدید از باورها در مورد ایدئولوژی مدرسه است. دیدگاه هایی که زمانی باورهای اصلی معلمان را شکل می داد، اغلب مخالف آن چیزی است که آموزش دانش آموز محور نیاز دارد. آموزش دانش آموز محور در حال حاضر در بسیاری از مدارس به دلیل محدودیت های زمانی و عدم تمایل دانش آموزان به مشارکت به دلیل اختلال در آشنایی آنها انجام نمی شود. ساختار، و ناتوانی دانش آموزان و معلمان برای عملکرد در یک سیستم کنترل مشترک (Vega and Tayler, 2005). علاوه بر این، دیوبی در مورد اینکه از دانش آموزان خواسته می شود آموزش خود را بدون منابع لازم برای انجام این کار ایجاد کنند، هشدار داد. دانش آموزان باید از طریق این رویکرد هدایت شوند و بدون راهنمایی آزاد نشوند. به عنوان مثال دیوبی ادعا کرد: هیچ چیز را نمی توان از هیچ توسعه داد. چیزی جز خامی نمی تواند از خام تولید شود و این همان چیزی است که مطمئناً زمانی اتفاق می افتد که ما کودک را به عنوان نهایی خود به خود دست یافته اش بازگردانیم و از او دعوت کنیم تا حقایق جدیدی از طبیعت یا رفتار را از آن بیرون بکشد. به این معنی نیست که فقط چیزی را از ذهن خارج کنید.

این یک توسعه تجربه و تبدیل به تجربه ای است که واقعاً مورد نظر است. اگرچه مدارس برای تکنیک های آموزشی متنوع فریاد می زنند، جامعه هیچ درخواستی برای تغییر مدل های کلاس درس قدیمی ارائه نمی دهد، زیرا مردم معتقدند که کلاس ها باید با استفاده از شیوه های مرسوم برگزار شود. دانش آموزانی که قوانین را یاد می گیرند، آرام گوش می دهند، می نشینند و به عنوان روبات عمل می کنند، اغلب نسبت به کسانی که اقتدار را زیر سوال می برند، ارزش قائل هستند. جوامع به راحتی از مدارس که از دستورالعمل های کلاس درس سنتی پیروی می کنند حمایت می کنند، اما در مدارس که دانش آموزان را تشویق می کنند به عنوان فردی عمل کنند، مداخله خواهند کرد. این چرخه ادامه دارد زیرا معلمان به روش سنتی آموزش داده می شوند و اگرچه ممکن است در برنامه های آموزشی معلمان در معرض توسعه حرفه ای و شیوه های جایگزین قرار بگیرند، اما تماس آنها با این روش ها ممکن است فقط به توسعه حرفه ای محدود شود که همان رفتار را برای دوره های زمانی کوتاه هدف قرار می دهد. اگرچه دانش آموزان ممکن است تمایلی به تغییر روال های آشنای اجازه دادن به معلم برای کنترل کامل نداشته باشند، احساس توانمندی دانش آموزی که حاصل می شود ممکن است به آنها کمک کند نگرش خود را در مورد تحول تغییر دهند.

موثرترین محیط های دانش آموز محور نشان می دهد که «معلمان می توانند به طور انعطاف پذیر نقش خود را از معلم به یادگیرنده خبره تغییر دهند و مالکیت یادگیری را با دانش آموزان خود به اشتراک بگذارند. در مورد تعمیم بیش از حد که اغلب در رابطه با راهبردهای آموزشی سنتی و معاصر انجام می شود، مهم است. شیوه هایی وجود دارد که می تواند دانش آموز محور را به طور موثر با شیوه های معلم محور در هم آمیزد. اگرچه کلاس های درس وجود دارد که مفاهیم دانش آموز محور را به درجات مختلف در خود جای داده است، محیط کلاس دانش آموز محور مستحق بررسی بیشتر توسط معلمان، مدیران ساختمان و ناظران منطقه است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روش های تدریس مبتنی بر رویکرد معلم محور

زمانی که صحبت از تدریس می شود بلافاصله امر یادگیری افکار همه را پر میکند تدریس بر انتقال مفاهیم بر دانش آموزان توسط معلم در کلاس درس انجام می گیرد. منظور از روش های تدریس در واقع همان راهبرد هایی هستند که معلمان برای رسیدن به اهداف آموزشی و پیشبرد بهتر فعالیت های خود با توجه به زمان و مکان و سایر شرایط ممکن انتخاب می شود. روش های تدریس می توانند هم شامل انتقال مستقیم مطالب بر دانش آموزان شوند و هم می توانند شامل انتقال غیر مستقیم مطالب بر دانش آموزان شوند (آقایی و دیربان، ۱۳۹۸).

زمان از انتقال مستقیم مطالب بر دانش آموزان استفاده میشود که رویکرد غالب بر نحوه کلاس داری معلمان رویکرد معلم محور باشد معمولاً، رایج ترین روش های تدریس که در این نوع رویکرد انتخاب می شوند عبارتند از؛

الف) یادسپاری

ب) سخنرانی

روش تدریس یادسپاری

یکی از قدیمی ترین روش های آموزشی که معلم در این نوع یادگیری نقش پررنگی دارد روش تدریس یادسپاری است زیرا دانش آموزان جز به یاد سپاری و ذخیره سازی اطلاعات در ذهن خود نقش دیگری ندارند و امر انتقال مطالب بر عهده معلم است معلم خود به تنهایی روش تدریس را از قبل مشخص می کند محتوای آموزشی از قبل تعیین شده است معلم تنهایی نقش فعال در کلاس را بر عهده دارد و تمام خلاقیت هایی که در کلاس درس ارائه می شود همگی توسط معلم انجام می گیرند.

این نو روش تدریس ممکن است دارای معایب ای باشد که عبارتند از:

الف) این روش تدریس تفکر و تحلیل و قوه انتقادی اخلاق دانش آموزان را تقویت نمی کند.

ب) در این نوع از روش تدریس معمولاً همکاری بین دانش آموزان وجود ندارد.

ت) نقش اصلی در این نوع از روش تدریس بر عهده معلم است و دانش آموز جایگاهی در امر یادگیری ندارد.

روش تدریس سخنرانی

رایج ترین روش تدریس در رویکرد معلم محور روش تدریس سخنرانی است که مورد استفاده اکثر معلمان در سراسر مدارس مخصوص مدارس ابتدایی می شود. تقریباً بیشتر از نصف وقت کلاس درس سر سخنرانی می شود. دانش آموزان در این نوع روش تدریس به صورت غیر فعال هستند و معلم به تنهایی و به صورت متکلم وحدت امر تدریس را پیش می برد کلاس دست تحت کنترل معلم است و معلم به تنهایی از تجربیات قبلی خود برای حفظ نظم و انضباط در کلاس درس استفاده می کند با اینکه نوع روش تدریس کارایی اندکی دارد ولی با این حال در بیشتر مدارس و دانشگاه ها از این نوع روش تدریس استفاده میشود. معمولاً انتقال مطالب و پیامهای آموزشی از طرف معلم به صورت یک طرفه انجام می گیرد و دانش آموزان نقشه جز گوش دادن و یادداشت برداری ندارند (شعبانی، ۱۳۹۳).

روش تدریس سخنرانی زمانی مطلوب است که معلم اهداف زیر را در پی داشته باشد:

الف) هدف اساسی انتقال دادن اطلاعات به دانش آموزان باشد.

ب) مواد آموزشی را به غیر از این روش نتوان آموزش داد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- (پ) در صورت نیاز همراه با این ناز روش تدریس از سایر روش های تدریس دیگر استفاده شود.
- (ت) معلمان شرایط همکاری دانش آموزان در امر تدریس را مهیا نمایند
- این روش تدریس دارای معایبی است عبارتند از:
- (الف) این نوع روش تدریس فقط حس شنوایی های دانش آموزان را تقویت می کند و تاثیری در گروه تکلم آنها ندارد.
- (ب) تفاوت های فردی دانش آموزان مورد توجه قرار نمی گیرد.
- (پ) دانش آموزان در کلاس دست نقش فعالی ندارند .

بحث و نتیجه گیری

یکی از اساسی ترین عوامل موثر در پیشرفت جامعه برخوردار از امر تعلیم و تربیت در سطح بالا است. تعلیم و تربیت به انتقال اطلاعات و دانش و یافته های پژوهشی می پردازد. برنامه درسی به همان میزان که می تواند زمینه ساز موفقیت و پیشرفت علمی و زندگی فراگیران را فراهم بکند، با سهل انگاری به آن می تواند زمینه ساز تنزل و پس رفت فراگیران و جامعه را مهیا کند. منظور از برنامه درسی تمامی فرصت های یادگیری و تجاری است که تحت نظارت نظام آموزشی و مدرسه جهت ایجاد تغییرات سازگار، در دانش و مهارت های فراگیران از سوی سازمان آموزش و پرورش طراحی شده و توسط معلمان اجرا می شود و میزان موفقیت و عملکرد آن توسط فرآیند ارزشیابی مورد سنجش قرار می گیرد. برنامه درسی محصول و تولید فرایند برنامه ریزی درسی است. برای هر دوره تحصیلی برنامه های خاصی متناسب با سطح درک و فهم دانش آموزان طراحی می شود. دوره ابتدایی نخستین دوره زندگی تحصیلی دانش آموز است به همین خاطر برنامه ای که دانش آموز با آن روبرو می شود دارای اهمیت است.

منابع

۱. آقایی، دانیال؛ دیربان، محمد مهدی. (۱۳۹۸). روش های نوین در تدریس دوره ابتدایی. هفتمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی، بابل
۲. شعبانی، حسن. (۱۳۹۳). مهارت های آموزشی، تهران: انتشارات سمت
3. Hancock, D. R., Bray, M., & Nason, S. A. (2002). Influencing university students' achievement and motivation in a technology course. *The Journal of Educational Research*, 95(6), 365-372.
4. Jones, B. F. (1987). *Strategic teaching and learning: Cognitive instruction in the content areas*. Association for Supervision and Curriculum Development, 125 N. West St., Alexandria, VA 22314.
5. Kouzes, J. M., & Posner, B. Z. (2014). *The five practices of exemplary leadership-United Kingdom*. John Wiley & Sons.
6. Khajavi, Y., & Abbasian, R. (2011). English language teaching, national identity and globalization in Iran: The case of public schools. *International Journal of Humanities and Social Science*, 1(10), 181-186.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

7. Lynch, D. N. (2010). Student-centered learning: The approach that better benefits students. Virginia Wesleyan College.
8. Russell, J. A. (2006). Building curriculum-based concerts. *Music Educators Journal*, 92(3), 34-39.
9. Sharon, L. (2008). Essentialism and perennialism. *Ebsco Research Starters, Academic*.
10. Shively, J. (2004). In the face of tradition: Questioning the roles of conductors and ensemble members in school bands, choirs, and orchestras. *Questioning the music education paradigm*, 11(2), 179-190.
11. Newman, P. R., & Newman, B. M. (1997). *Childhood and adolescence*. Pacific Grove: Brooks.
12. Narum, J. L. (2004). What lasts: An essay: A learner-centered environment. Retrieved November, 10, 2006.
13. Peyton, J. K., Moore, S. K., & Young, S. (2010). Evidence-based, student-centered instructional practices. CAELA network brief.
14. Vega, Q. C., & Tayler, M. R. (2005). Incorporating course content while fostering a more learner-centered environment. *College Teaching*, 53(2), 83-88.
15. Woodford, P. (2005). *Democracy and music education: Liberalism, ethics, and the politics of practice*. Indiana University Press.